

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازنایب و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش نود و دوم

۲۸ می ۲۰۱۵

۴- انتقاد از نظریات رویونیستی و فعالیت انشعابگرانه رهبران شوروی

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری نومیر ۱۹۵۷ فقط تا مدتی پیشرفت رویونیسم را کند کرد ولی توسعه و تعمیق آن را در نهضت کمونیستی بین المللی متوقف ساخت.

شیوع بعدی رویونیسم بین المللی

رویزیونیست های یوگوسلاوی اظهاریه کنفرانس را صریحاً «رد کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی» ، «یک گام به پیش» و «بازگشت به ستالینیسم» نامیدند. آنان به نبرد شدید به ضد مضمون انقلابی اظهاریه دست زدند و باز نایستادند از اینکه «برنامه» ضد مارکسیستی خود را که در ۱۹۵۸ منتشر ساخته و به مثابه «مانفیست بین المللی» قلمداد کرده بودند در برابر آن بگذارند.

اما رهبری شوروی که خروشچف در رأس آن قرار داشت، بدون آن که نتیجه گیری های انقلابی اظهاریه مشترک را مورد توجه قرار دهد همچنان به تبلیغ و اجرای نتیجه گیری های رویونیستی کنگره بیستم مشغول بود. وی هیچ فرصتی را برای نزدیکی بیشتر و همکاری نزدیک با امپریالیست های امریکائی از دست نمی داد. خروشچف، رئیس جمهور امریکا و عده دیگری از شخصیت های رهبر امریکا را «انسان های معقول» می دانست که «صمیمانه خواهان صلح و همکاری با اتحاد شوروی اند». وی علناً اظهار داشت که در شرایط کنونی عصر ما هر نوع جنگی ظالمانه و غیر انسانی است. وی از سازمان ملل متفق خواست که «خلع سلاح عمومی و کامل» را در مورد هر کشور و هر خلق به عمل در آورد، به استثنای پولیسی که «مأمور حفظ نظم عمومی باشد» در هر کشور، یک «نیروی مسلح بین المللی» در دائره سازمان ملل متفق به وجود آید، نیروئی که وظیفه اش در صورت ایجاد طبیعتاً سرکوب مبارزات و قیام های توده ای می بود. وی این اندیشه دروغین را پخش می کرد که از سال ۱۹۶۰ «دنیای بدون ارتش و بدون جنگ!» یا به عرصه خواهد گذاشت.

اما سیاستی که گروه خروشچف دنبال می کرد خصلت عوام فریبانه، التقاطی و متضاد داشت، خصلتی که وجه مشترک کلیه اقسام رویزیونیسم است. گاهی به ستایش امریکا می پرداخت و در صدد همکاری نزدیک با وی بر می آمد و گاهی به وی دشنام می داد و وی را تجاوز کار و ژاندارم جهان می نامید. گاهی رئیس جمهور امریکا را «دوست»، «مرد بزرگ»، آدم «معقول» و کسی که «خواستار صلح است» توصیف می کرد و گاهی او را «دژخیم»، و کسی که «حتی از اداره یک کودکانستان عاجز است» می شمرد. گاهی تیتو تجربه یوگوسلاوی را به عرش می رسانید و گاهی رویزیونیسم یوگوسلاوی را «اسب تروا» می خواند و تیتو را ملامت می کرد که «با پای جوخه حرکت نمی کند» همچنین خروشچف مجبور شد برنامه ضد مارکسیستی «جامعه کمونیست های یوگوسلاوی» را خجولانه افشاء کند. با این طریق گروه خروشچف در حالی که می کوشید اذهان را گمراه کند، درحالی که میان آوانتوریسم و اپورتونیسم در نوسان بود و آماده می شد که از پشت بر اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی خنجر بزند، در راه رویزیونیسم به پیش می رفت.

جریان توسعه و تعمیق رویزیونیسم در احزاب کمونیستی و کارگری عده ای دیگر از کشور های سوسیالیستی و سرمایه داری نیز بسط می یافت.

مشی و فعالیت رویزیونیستی و به ویژه رویزیونیست های رهبری شوروی موجب فزونی سرگشتگی ایدئولوژیک در نهضت کمونیستی بین المللی شده بود.

امپریالیست های امریکائی که می دیدند اشاعه رویزیونیسم زمینه بسیار مساعدی برای امپریالیسم و ارتجاع فراهم می آورد با کلیه وسائل از این وضع استفاده می کردند. آنان فعالیت تجاوزکارانه خویش را در آسیا، افریقا و امریکای لاتین گسترش دادند، امان غربی را به صورت کانون خطرناک جنگ در آوردند، پایگاه های نظامی خویش را توسعه بخشیدند و نیروی جنگی اتومی خود را افزودند. در عین حال به منظور تخریب سیستم سوسیالیستی جهانی، راه ضد انقلاب مسالمت آمیز را به مثابه تاکتیک پذیرفتند و هر اقدام و هر نظریه رویزیونیست ها را که حاکی از لیبرالیزاسیون قدرت سیاسی و اشاعه ایدئولوژی بورژوائی در کشورهای سوسیالیستی بود، مورد تشویق قرار دادند.

مبارزه سازش ناپذیر برای فاش ساختن و درهم شکستن رویزیونیسم معاصر

حزب کار البانی اشاعه رویزیونیسم را با نگرانی تعقیب می کرد و بر خطر عظیمی که رویزیونیسم متوجه اردوی سوسیالیستی و نهضت کمونیستی بین المللی می ساخت کاملاً آگاه بود. حزب کار البانی مبارزه علیه رویزیونیسم را یکی از مهمترین وظایف خویش می شمرد.

انتشار برنامه جامعه کمونیست های یوگوسلاوی برای حزب کار البانی فرصت مناسبی بود که رویزیونیسم بین المللی را در کلیه بخش های فعالیت وی و ایدئولوژی ضد مارکسیستی وی بکوبد. حزب کار البانی برنامه یوگوسلاوی را به مثابه التقاطی از تئوری های پوسیده پرودن، برنشتین، کائوتسکی، ترتسکی، بوخارین و غیره افشاء کرد که لباس تازه بر آنها پوشیده اند، و چنین شعار داد:

«مبارزه سازش ناپذیر برای افشاء و درهم شکستن تئوریک و سیاسی رویزیونیسم معاصر» (۱)

حزب کار البانی با اشاره به روش اپورتونیستی که خروشچف و سایر رویزیونیست های احزاب کمونیستی و کارگری مختلف اتخاذ کرده بودند تأکید کرد که «فقط کسانی که عمداً چشم خود شان را می بندند نقشی را که رویزیونیسم یوگوسلاوی در خدمت امپریالیست ها بازی می کند، نمی بینند» (۲).

۱ - قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی حزب کار البانی. مؤرخ ۲۰ ژوئن ۱۹۵۸. بایگانی مرکز حزب و «زری ای پوپولیت»، ۲۲ جون ۱۹۵۸

۲ - باید رویزیونیسم معاصر را تا نابودی کامل تئوریک و سیاسی آن بی- امان کوبید. «زری ای پوپولیت»، ۲۲ جون ۱۹۵۸

حزب کار البانی به انتشار یک سلسله مقالات دست زده از نظریات رویزیونیست ها به سختی انتقاد کرد، تحریفات آنان را در تعالیم اساسی مارکسیسم- لنینیسم شرح داد، از حزب طبقه کارگر و نقش رهبری آن، از دیکتاتوری پرولتاریا و راه انقلابی گذار به سوسیالیسم به دفاع پرداخت.

حزب کار البانی در عین حال که رویزیونیسم بین المللی را در عرصه ایدئولوژیک و سیاسی رسوا می کرد به پرورش و فعالیت خروشچف و گروه او توجه داشت و می دید که آنان روز به روز بیشتر از اصول مارکسیستی- لنینیستی دور و با امپریالیست های امریکائی و رویزیونیست های تیتوئی نزدیک می شوند. جریان افشای رویزیونیسم پیوسته قوی تر می گردید. روز به روز بدگمانی ها و تردید های رهبری حزب کار البانی نسبت به رهبری حزب کمونیست شوروی که خروشچف در رأس آن بود، بیشتر شد.

بی اعتمادی مذکور به حزب کار البانی کمک بسیار کرد که از کلیه دام هائی که خروشچف برای رام کردن و کشاندن وی به راه رویزیونیسم می گسترده، در امان بماند. رهبری رویزیونیست شوروی بیهوده امیدوار بود که پس از امضای قراردادی مبنی بر اعطاء اعتبار جدید به جمهوری توده ئی البانی برای اجرای سومین نقشه پنج ساله به ویژه پس از بازدید خروشچف از البانی در مه ۱۹۵۹، وضع عوض خواهد شد.

حزب کار البانی نه فقط به تمنای مصرانه رهبری شوروی که می خواست وی را به قبول مشی رویزیونیستی خویش وادارد تن در نداد بلکه راه مارکسیستی- لنینیستی خود را با عزم جزم دنبال کرد و نبرد خود را در افشای رویزیونیسم یوگوسلاوی و به طور کلی رویزیونیسم معاصر بگسترده.

از سوی دیگر کمیته مرکزی حزب کار البانی نسبت به برخی از اعمال خصومت آمیز خروشچف در مورد البانی به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعتراض کرد. یکی از این اعتراضات مربوط بود به صحبت نخست وزیر شوروی با ونیزلوس سیاستمدار مرتجع یونانی که در طی آن به ونیزلوس اظهار داشته بود که گویا در موقع بازدید خود در شهر کورچا به یونانیانی برخورد کرده است و به علاوه مطالبه شوینیستی یونان را در مورد «خود مختاری اپیر شمالی»، با گوش موافقت شنیده بود. اعتراض دیگر به ضد سفیر شوروی در بلغراد به عمل آمد که نسبت به افتراات و دشنام هائی که رانکوویچ، رهبر رویزیونیست های یوگوسلاوی، در میتینگ به جمهوری توده ئی البانی نثار کرد، مفاشات نشان داده بود.

این اتفاقات گواه روشن مخالفت روز افزون حزب کار البانی با روش ضد مارکسیستی گروه خروشچف بود. معذک اختلافات ایدئولوژیک بین حزب کار البانی و رهبری شوروی تا پایان شش ماهه اول ۱۹۶۰ علنی نشده و بر روابط بین دولتین گسترش نیافته بود.

در عین حال حزب کار البانی آنی هم هوشیاری خود را برای به هم زدن نقشه ها و دسائس خصمانه امپریالیست های امریکائی و دار و دسته تیتو علیه جمهوری توده ئی البانی از دست نمی داد. در تابستان ۱۹۶۰ سازمانی مخفی و دشمن دولت کشف و درهم شکسته شد که عمال سابق دوائر جاسوسی خارجی که نتوانسته بودند در صفوف حزب، در ارگان های دولتی و در ارتش نفوذ کنند در آن شرکت داشتند. با این طریق، توطئه سازماندهی شورش ضد انقلابی که می بایست به وسیله مداخله متقارن ناوگان ششم امریکا، سلطنت طلبان فاشیست یونانی و رویزیونیست شوروی که از این توطئه خبر داشت و از آن پشتیبانی کرده بود و به خیال استفاده از آن بود، نقش بر آب گردید.

ادامه دارد...